

گزارش حسابرسی

نمی‌تواند محملی برای نوسانات بازار سرمایه باشد

محمد رضا عربی مزرعه‌شاهی



و ... مثال‌هایی از این دست است. اگرچه در حوزه‌ی تحریف یا عدم رعایت استانداردها دست حساب‌رسان تا حدود زیادی در نوشتار بندهای حسابرسی و اظهارنظر در خصوص صورت‌های مالی بازتر بوده لیکن بازهم ملاحظات آن‌ها را به این سمت می‌برد که در حد امکان موضوع تحریف را به سمت ابهام سوق داده تا ضمن اشاره به موضوع با اعلام تحریف در صورت‌های مالی و یا آرایه‌ی گزارش مردود رود روی مدیریت شرکت قرار نگیرند. این موضوع به‌وضوح در برخی صورت‌های مالی قابل مشاهده است.

نکته‌ی دیگری که به‌نظر می‌رسد در این امر مؤثر بوده مداخلات نهادهای ناظر، به‌ویژه بانک مرکزی، با نهادهای تحت نظارت خود در شفاف‌سازی صورت‌های مالی آن‌ها بوده است. تردیدی نیست که اعلام گزارش مردود برای یک بانک که مبالغ قابل توجهی منابع از مردم جذب کرده خوشایند نیست و حساب‌رسان نیز در مواجهه با این شرایط با اشاره به تعداد

رویه‌ی خاص و یا حتی مقررات بالادستی، اصولاً حساب‌رسان به‌منظور پوشش ریسک حرفه‌ای خود به‌اجبار و به‌الزام باید به این نکات اشاره کنند. شاید از حوصله‌ی این بحث خارج باشد ولی مادام که اثرات یک ابهام مهم نامشخص است و حساب‌رسان نه‌تنها ابزار و روش‌هایی برای دسترسی به اطلاعات و رفع این ابهام را ندارد بلکه اصولاً هیچ مرجع مشخص و قابل‌اتکایی نیز نمی‌تواند این ابهام‌ها را روشن سازد. لذا حساب‌رسان به‌ناچار مجبور به درج ابهام و توضیحات در گزارش‌های خود می‌شوند. نکاتی از قبیل دعاوی حقوقی که بعضاً دهه‌ها در دادگاه‌ها در جریان است و با انواع تصمیمات بالادستی در هر مرحله می‌تواند نتیجه‌ای له یا علیه شرکت‌ها داشته باشد. مراجع متعدد تصمیم‌گیری و مصوبات قانونی متناقض در خصوص موضوعات مبتلابه شرکت‌ها ازجمله نرخ تسعیر ارز، اختلاف حساب با دولت و نهادهای دولتی، بخشودگی جرایم بانکی، اختلاف بر سر مالکیت دارایی‌ها

شاید گزارش‌های حسابرسی در کشور ما نمونه‌ای منحصر به فرد از گزارش‌های حسابرسی در دنیا باشد که در آن حساب‌رسان ضمن تشریح انواع ابهامات و یا تحریف از استانداردها، سعی در بازگو کردن نکات قابل‌انتقال به سهام‌داران و سایر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی را دارند. در تجربه‌ی بنده عمده‌ی گزارش‌های حسابرسی که از سایر کشورها مشاهده کرده‌ام گزارش‌های بدون بند حسابرسی و به‌اصطلاح گزارش‌های مقبول بوده و یا حداکثر در یک یا دو بند حسابرسی موضوعات گزارش شده‌اند. لیکن در کشور ما به دلیل تنوع در منشاء و همچنین وسعت اثرگذاری، این نکات معمولاً با انواع مختلف نگارش بندهای حسابرسی مواجهیم که بخش نسبتاً زیادی از آن‌ها بازگو کردن مجدد یک یادداشت است و متأسفانه صرفاً جنبه‌ی اطلاع‌رسانی دارد تا جنبه‌ی تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری سهام‌داران. به‌نظر می‌رسد به‌دلیل نبود یک



زیادی از مصادیق انحراف از استانداردها و ابهامات که گاه به چند ده مورد نیز می‌رسد در پایان نظر مشروط می‌دهد. نتیجه‌ی این شرایط که حساب‌رسان آخرین حلقه‌ی آن هستند و عملاً کاری نیز نمی‌توانند انجام دهند عدم شفافیت اطلاعات مالی شرکت‌ها و در نتیجه کاهش اتکالپذیری به این صورت‌ها است. با نگاهی به تعدیلات سنواتی برخی شرکت‌ها به‌وضوح این امر قابل مشاهده است. استفاده از ظرفیت‌های قانونی که مسئولیت و اختیارات حساب‌رسان را روشن کند و همچنین ایجاد حساسیت برای نهادهای ناظر در این خصوص می‌تواند کمک مؤثری باشد. به‌طور ویژه و با اشاره به مواد ۴۱ الی ۴۵ قانون بازار اوراق بهادار که مسئولیت مدیریت شرکت‌ها را در ارایه و افشای اطلاعات درست و واقعی مشخص و ماده‌ی ۴۹ همان قانون که ضمانت اجرایی نیز برای رعایت استانداردها و ارایه‌ی اطلاعات دقیق و صحیح تعیین کرده است.

جایگاه آموزش حرفه‌ای

در شرایط حاضر دنیا که تغییرات به‌صورت پیوسته و دامنه‌دار و با تأثیرات فراحوزه‌ای در حال انجام است آموزش حرفه‌ای مستمر بسیار حایز اهمیت است. همه‌ی همکاران ما در حوزه‌ی حسابرسی به‌وضوح تغییرات ایجادشده در فضای کسب‌وکارها را مشاهده می‌کنند و اولین نتیجه و تأثیر این تغییرات در ساختار مالی شرکت‌ها، چه از جنبه‌ی کنترل‌های داخلی و ریسک‌های مربوطه و چه در حوزه‌ی گزارشگری مالی آن‌ها است. در حال حاضر در بسیاری از کشورهای پیشرو در حوزه‌ی حسابرسی، حساب‌رسان دارای مهارت‌های چندگانه هستند و اصولاً حسابرسی که با مفاهیم امروزی کسب‌وکارها آشنایی نداشته باشد قادر به حسابرسی نیست. نمونه‌ی آن در حال حاضر در کشور ما در حوزه‌ی بانک و بیمه قابل مشاهده است. این دو صنعت به‌شدت وابسته به فناوری اطلاعاتند و اصولاً حسابرسی یک بانک یا بیمه با

سندرسی و روش‌های سنتی حسابرسی و بدون اشراف به حوزه‌ی فناوری اطلاعات غیر ممکن است. حضور یا توسعه‌ی فناوری‌های جدید مانند بلاک چین (Block Chain)، فناوری دیجیتال مبتنی بر هوش مصنوعی و عدم حضور عامل انسانی در تأیید یا انجام تراکنش‌های مالی مطمئناً بر کار حساب‌رسان که وظیفه‌ی اعتباربخشی دارند تأثیرگذار خواهد بود. به‌شدت معتقدم در حرفه‌ی حسابرسی و به‌ویژه در مؤسسات حسابرسی بزرگ می‌بایست از متخصصان سایر رشته‌ها به‌ویژه حوزه‌ی فناوری اطلاعات بیش‌تر استفاده کرد و دانش حساب‌رسان نیز در سایر حوزه‌ها با ارایه‌ی آموزش‌های مربوطه افزایش داد. به‌نظر می‌رسد جامعه‌ی حسابداران رسمی این کار را آغاز نموده و با تمرکز بیش‌تری می‌تواند این امر را توسعه دهد.

نقش کنترل کیفیت

به باور من، موضوع کنترل کیفیت مشابه با ساختارهای تولیدی باید در



اصول اولیه‌ی تحلیل‌گری و بررسی عوامل و شرایط مالی و عملیاتی شرکت‌ها را نیز زیر پا گذاشته بود.

دلیل این‌که چرا حساب‌رسان عمدتاً پاسخ‌گوی برخی اتفاقات در بازار می‌شوند ناشی از دو یا سه مسأله است. یکی این‌که برخی استفاده‌کنندگان اصولاً شناخت دقیقی از نقش و جایگاه حساب‌رسان و اختیار و مسئولیت آن‌ها در گزارش‌گری مالی ندارند که در اصطلاح دقیق‌تر به آن شکاف انتظارات اطلاق می‌شود. دوم این‌که اصولاً برخی سرمایه‌گذاران بدون توجه به اطلاعات مالی و نکات گزارش‌های حساب‌رسان تصمیم‌گیری می‌کنند و اگر دچار مشکلی در انتخاب‌شان شدند به‌دنبال مقصر می‌گردند که اصولاً حساب‌رسان جزو اولین‌ها هستند. نکته‌ی سوم این‌که معمولاً بازار سرمایه آینده‌نگر است و با نگاه به آینده‌ی شرکت‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در حالی‌که گزارش‌های مالی و به تبع آن گزارش‌های حساب‌رسانی مربوط معمولاً گذشته‌محور است و نمی‌تواند محملی برای ایجاد نوسان در بازار باشد. ■

فارغ‌التحصیلان دانشگاهی انتخاب اول‌شان را آن‌جا قرار دهند. در عین حال، متأسفانه به‌دلیل عدم دریافت حق‌الزحمه‌ی مناسب حساب‌رسانی مؤسسات نیز در جذب و نگهداری پرسنل خود دچار مشکل هستند. مجموع این عوامل باعث کاهش کیفیت کار حساب‌رسانی خواهد شد. نگارنده در سال‌های مسئولیت در بازار سرمایه، در تعامل با ارکان جامعه بودم و بارها به این موضوع به عنوان بااهمیت‌ترین و بزرگ‌ترین ریسکی که حرفه‌ی حساب‌رسانی را تهدید می‌کند اشاره داشتم. کماکان نیز معتقدم که اگر در حوزه‌ی منابع انسانی و جذب و تربیت پرسنل نتوانیم با رقبایمان رقابت کنیم کیفیت کار حساب‌رسانی دچار افت خواهد شد.

حساب‌رسان و نوسانات بازار سرمایه

به‌جد بر این باورم که آن‌چه در سال جاری بر بازار سرمایه گذشت نه‌تنها به حساب‌رسانی و کیفیت گزارش‌های حساب‌رسانی ارتباط نداشت، بلکه در کل

کل فرایند تولید باشد و اگر این کنترل در انتها قرار گیرد تأثیر لازم را ندارد. بزرگ‌ترین سرمایه و در عین حال بزرگ‌ترین چالش حرفه‌ی حساب‌رسانی نیروی انسانی آن است. لذا هر چه این نیروی انسانی به‌دقت و باکیفیت کار را انجام دهد محصول آن که گزارش حساب‌رسانی باشد باکیفیت‌تر خواهد بود. معتقدم حرفه‌ی حساب‌رسانی از دو دهه‌ی اخیر و به‌ویژه از اوایل دهه‌ی ۹۰ به‌شدت در جذب نیروهای فارغ‌التحصیل تراز اول دانشگاهی فضا را به نفع رقبای خود به‌ویژه بازار سرمایه واگذار کرده است. به‌نظرم در دهه‌های ۵۰ تا اواسط دهه‌ی ۷۰ اولین و جذاب‌ترین انتخاب برای فارغ‌التحصیلان مالی حرفه‌ی حساب‌رسانی بود که نتایج آن مدیران و شرکای مؤسسات حساب‌رسانی فعلی هستند که کماکان ستون اصلی حرفه‌ی حساب‌رسانی کشور هستند.

در دو دهه‌ی اخیر و به‌ویژه ده سال گذشته به‌دلیل توسعه‌ی بازار سرمایه از یک‌سو که بسیار جذاب‌تر و از نظر مالی نیز عواید بالاتر داشت باعث شده